

بازخوانی جنایت پهلوی در بیمارستان مشهد

۲۳ آذر ۱۴۰۳ ساعت ۱۹:۲۴

حمله عوامل رژیم پهلوی به بیمارستان‌های مشهد در آذر ۵۷ به بهانه‌های مختلف صورت می‌گرفت. یکی از فجیع‌ترین این جنایت‌ها حمله به بخش کودکان بیمارستان امام رضاع (ع) در ۲۳ آذر ۱۳۵۷ بود که به تحصن علما، روحانیت و مردم مشهد منجر شد. دکتر علی شمسا یکی از شاهدان آن حوادث می‌گوید که ساعت ۱۰:۳۰ صبح گروهی که عکس محمدرضا پهلوی را در دست داشتند، از در جنوبی وارد بیمارستان شدند و بخش اطفال، داخلی و مهد کودک را مورد تهاجم قرار دادند و شیشه خودروهای ایستاده در آن نزدیکی را خرد کردند. تهاجم این گروه به بخش‌های دیگر بیمارستان امام رضا با مقاومت پزشکان، دانشجویان پزشکی و پرستاران مواجه شد. وقتی مهاجمان از بیمارستان خارج شدند، شلیک گلوله شروع شد. مجروحین در چهار اتاق عمل مداوا می‌شدند. دکتر شمسا در خاطرات خود حداقل از دو شهید در این حادثه یاد می‌کند.

حمله عوامل رژیم پهلوی به بیمارستان‌های مشهد در آذر ۵۷ به بهانه‌های مختلف صورت می‌گرفت. یکی از فجیع‌ترین این جنایت‌ها حمله به بخش کودکان بیمارستان امام رضاع (ع) در ۲۳ آذر ۱۳۵۷ بود که به تحصن علما، روحانیت و مردم مشهد منجر شد.

در ۲۳ آذر ۱۳۵۷ مصادف با سیزدهم محرم در خانه آقای قمی مراسم عزاداری امام حسین(ع) برپا بود. آیت‌الله خامنه‌ای نشست‌ها بودند که فردی خبر محاصره جوانان توسط مأموران نظامی را داد و گفت در موقعیت خطرناکی هستند. آیت‌الله خامنه‌ای سریعاً همراه او بیرون آمدند و از جزئیات خبر پرسیدند. شنیدند که شماری از دانشجویان دانشکده پزشکی در بیمارستان امام رضا به دلیل همراهی با مردم انقلابی در محاصره نظامیان هستند و دستور بازداشت آنها داده شده است. تیراندازی هوایی برای ریختن ترس در دل دانشجویان ادامه دارد. دانشجویان آن فرد را فرستاده بودند تا خبر را به آیت‌الله خامنه‌ای برساند.



آیت‌الله خامنه‌ای ابتدا با آیت‌الله واعظ طبسی مشورت کردند. بنا شد دیگر روحانیان مؤثر را برای چاره‌جویی خبر کنند. با میرزا جواد تهرانی، شیخ ابوالحسن شیرازی، سید کاظم مرعشی، شیخ حسنعلی مروارید و دیگران به گفت‌وگو نشستند. خبرهای ناگوار همچنان می‌رسید و خطر، جان دانشجویان را تهدید می‌کرد. آخرین خبر این بود که دانشجویان در آستانه قتل‌عام هستند. دیگر وقتی برای مشورت بیشتر باقی نماند. چنانکه آیت‌الله خامنه‌ای می‌گویند: بحث را بریدم و گفتم من و آقای طبسی به بیمارستان می‌رویم... شما بزرگان چه بیاید و چه نیاید. همه آنان که بعضاً کهنسال هم بودند، راهی شدند.

ورود مردم و روحانیت به بیمارستان امام رضا(ع)

از خانه آقای قمی خارج شدند و از کوچه‌ها و خیابان‌های فرعی خود را به نزدیکی بیمارستان رساندند. حدود یک ساعت طول کشید. وقتی به خیابان منتهی به بیمارستان رسیدند، گروه چشمگیری از مردم که میان راه به آنان ملحق شده بودند، همراهشان بودند. از آن فاصله سربازان مسلح و انگشت‌به‌ماشه دیده می‌شدند.

آیت‌الله خامنه‌ای برای اینکه تزلزلی در ادامه پیش نیاید، روحانیان را جلوی مردم به صف کردند و خود وسط آن‌ها قرار گرفتند. حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد کنارشان بودند.

گفتند که بی‌ترس و تردید باید راه بیفتند و گام‌ها را استوار بردارند: «به ۱۰۰ متری سربازان که رسیدیم سکوت ترسناکی حاکم بود. همچنان پیش می‌رفتیم. گاهی سرم را بلند می‌کردم و گاهی به زیر می‌انداختم. یک بار که سرم را بالا گرفتم به دومتری سربازان رسیده بودیم. دیدم ردیف سربازان شکافت...»

بی‌اعتنا از صف شکافته سربازان عبور کردند. سربازان تلاش کردند جمعیت پشت سر را پس بزنند. نتوانستند. دانشجویها از پشت میله‌های بیمارستان شاهد اوضاع خیابان بودند. داخل بیمارستان شدند. آنجا بود که صدای شلیک گلوله بلند شد. عده‌ای فرار کردند، برخی نشستند و سرشان را دزدیدند. بنا شد به یکی از ساختمان‌های بیمارستان بروند.



آن روز سه بار بیمارستان امام رضا با تهاجم روبه‌رو شد. دکتر علی شمسایکی از شاهدان آن حوادث می‌گوید که ساعت ۱۰:۳۰ صبح گروهی که عکس محمدرضا پهلوی را در دست داشتند، از در جنوبی وارد بیمارستان شدند و بخش اطفال، داخلی و مهد کودک را مورد تهاجم قرار دادند و شیشه خودروهای ایستاده در آن نزدیکی را خرد کردند.

تهاجم این گروه به بخش‌های دیگر بیمارستان امام رضا با مقاومت پزشکان، دانشجویان پزشکی و پرستاران مواجه شد. وقتی مهاجمان از بیمارستان خارج شدند، شلیک گلوله شروع شد. مجروحین در چهار اتاق عمل مداوا می‌شدند. دکتر شمسایکی در خاطرات خود حداقل از دو شهید در این حادثه یاد می‌کند.



تیراندازی بار دیگر ساعت سه بعد از ظهر آغاز شد که پس از آن روحانیان تحصن خود را شروع کردند. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: به ذهنم خطور کرد تحصن کنیم. نشستیم و اعلامیه‌ای نوشتیم. نوشتیم که روحانیان امضا کنند تا تغییر فرمانده نظامی استان در بیمارستان تحصن خواهند بود.

در بخشی از اطلاعیه چنین نوشته شده بود: روز پنج‌شنبه، سیزدهم محرم یورش جنایت‌کارانه‌ی مأموران و مزدوران در محوطه بیمارستان شاهرضا به شکلی فجیع و شرم‌انگیز انجام یافت. مزدوران درب جنوبی بیمارستان را شکستند و به اتومبیل‌های داخل بیمارستان خسارت وارد آوردند و در آن هنگام ابتدا با پرتاب سنگ، سپس با شلیک گلوله و رگبار به داخل بیمارستان و حتی داخل بخش‌های اطفال و داخلی حمله کردند. یک کودک از بیمارستان، چهار نفر از پزشکان و عابران مجروح گردیدند که هم‌اکنون در بخش جراحی بستری می‌باشند...

تحصن شروع شد و طولی نکشید که تبدیل به خبر یکِ حوادث نهضت شد. در مشهد همه نگاه‌ها به بیمارستان و اخبار آن بود؛ خبر تحصن که پیچید، گروه‌های زیادی از مردم به بیمارستان آمدند و در داخل و اطراف آن اجتماع کردند. می‌خواستند به تحصن‌کنندگان ملحق شوند. وابسته‌بودن بیمارستان به دانشگاه موجب شد که دانشجویان نخستین گروهی باشند که با انتشار بیانیه‌ای ملحق شدن خود را به متحصنان اعلام کنند.

خیلی زود بخش زیادی از بیمارستان مملو از گروه‌های مختلف شد. اعلامیه آقای سیدعبدالله شیرازی؛ گروه‌هایی اعتراض‌آمیز اعضای سازمان نظام پزشکی مشهد؛ اعتصاب جامعه پزشکان مشهد؛ اطلاعیه شورای دانشگاه فردوسی؛ اعلامیه آقای سیدحسین قمی؛ اعتصاب کارکنان دانشگاه فردوسی؛ همبستگی مجمع عمومی سازمان ملی پزشکان ایران؛ همبستگی جامعه پزشکان شهرهای مختلف، عذرخواهی نخست‌وزیر از پزشکان مشهد؛ و در نهایت عزل سرتیپ عبدالرحیم جعفری، فرماندار نظامی مشهد که خواسته تحصن‌کنندگان بود، بخشی از پیامدهای تحصن بیمارستان به‌شمار می‌رفت. شاید روزی نبود که از نقاط مختلف مشهد راهپیمایی به سوی بیمارستان نشود.

متحصنین بیانیه‌های پی‌درپی صادر می‌کردند. نویسندگان آن‌ها آیت‌الله خامنه‌ای بودند. ایشان سه نفر رابط برای تکثیر آنها داشت. فاصله پایان نگارش اعلامیه تا تکثیر و توزیع آن چند ساعتی بیشتر طول نمی‌کشید.

بیست و ششم آذر، بیمارستان به محاصره نظامیان درآمد و ارتباط متحصنان با بیرون قطع شد. بیست و هفتم آذر جنازه شهید محمد منفرد یکی از شهدای بیمارستان امام رضا تا بهشت رضا تشییع شد. بنابر آنچه ساواک گزارش کرد، یکصد و چهل هزار نفر در این تشییع جنازه شرکت کردند

در همین حال مجلس شورای ملی که هیئتی را برای رسیدگی به این حادثه و عذرخواهی از اهالی مشهد به مشهد فرستاده بود، در بیست و هفتم آذر وارد این شهر شد. ابتدا تقاضا کرد با آقای قمی ملاقات کند، پذیرفته نشد. سپس «در پاسخ درخواست هیئت اعزامی مبنی بر ملاقات با پزشکان شاهرضا، پزشکان با وضع زنده‌ای آن‌ها را از بیمارستان بیرون کرده، اظهار می‌نمایند ما کاری نداریم جز رفتن ۶۶ [= شاه] از کشور».

در نهایت گروهی برای گفت‌وگو با هیئت اعزامی آماده شد و پس از ارائه گزارش، فریاد مرگ بر شاه سر داد. وقتی هیئت اعزامی در پایان نشست عذرخواهی کرد، پذیرفته نشد. بیمارستان فقط شاهد تحسن نبود. نماز جماعت، سخنرانی‌های پیاپی روزانه، اجتماعات کوچک و بزرگ، دیدار با روزنامه‌نگاران داخلی و خارجی، ورود هیئت‌هایی از دیگر شهرها برای اعلام همبستگی، برخی از مراسم و فعالیت‌های آن روزها بود.

پایان تحسن بیمارستان امام رضا

پنجم دی، تظاهرات گسترده‌ای در مشهد انجام شد. خبرنگاران خارجی برای گزارش این راه‌پیمایی در مشهد بودند. شهر در تعطیل عمومی به سر می‌برد و کسانی که خود را به خیابان‌های شهر رسانده بودند، در تجلیل از شهدای دوم دی و نفی نظام دیکتاتوری محمدرضا پهلوی شعار دادند. خبرگزاری فرانسه شمار جمعیت را ۶۰۰ هزار نفر نوشت. تظاهرکنندگان وقتی به بیمارستان امام رضا رسیدند، به سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای گوش دادند. و در پایان قطعنامه‌ای که از طرف تحسن‌کنندگان در ۶ بند نوشته شده بود، برای مردم خوانده شد.



این تحصن آثار بزرگی داشت و به فرموده آیت‌الله خامنه‌ای: از این تجربه، در تحصنی که به پیشنهاد من در مسجد دانشگاه تهران به مناسبت بسته‌شدن فرودگاه و جلوگیری از ورود امام به کشور رخ داد، استفاده شد.

منبع: مشهد از مقاومت تا پیروزی ، موسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/49929/مشهد-بیمارستان-چهلوی-جنایت-بازخوانی>